

تنزل تمکین/کاهش تسلیم

(مناسبات نسلی نسل زد بر اساس فراترکیب پژوهش‌های موجود)*

یعقوب احمدی^۱، نینا کریمی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

چکیده

ظهور گسترده و ناگهانی نسل زد در اعتراض‌ها و جنبش‌های اخیر ایران، به‌ویژه در جنبش «زن، زندگی، آزادی»، این نسل را به کانون توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران تبدیل کرده است. ویژگی‌ها و خصوصیات نسل زد و تفاوت‌ها و تمایزهای آن با سایر نسل‌ها در ایران به یکی از پرسش‌های مهم برای پژوهشگران، اندیشمندان و حتی سیاست‌مداران بدل شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش فراترکیب، به بررسی، تحلیل و تلفیق یافته‌های مقاله‌های علمی تهیه و منتشرشده معتبر در حوزه نسل زد در یک دهه اخیر (۱۳۹۰-۱۴۰۳) پرداخته است تا تصویری روشن و متقن از تمایزات و تشابهات نسل زد در ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف ارائه دهد. یافته‌های این مطالعه مبتنی بر دسته‌بندی و استخراج کدها و مفاهیم، در چهار حوزه خانواده، دین، محیط کار و سیاست خصوصیت‌های متمایزی را در نسل زد نشان داد که مقوله محوری مطالعه بر پایه آن بنیاد نهاده شده است: تنزل تمکین/کاهش تسلیم؛ به معنای کاهش احترام به اقتدار در هر چهار حوزه خانواده، دین، سیاست و محیط کاری و شغلی است.

در حوزه خانواده کاهش احترام به اقتدار در نقد پدرسالاری و استقلال هویتی خود را نشان داده است. در سیاست و محیط کار عدم اعتماد به نهادها و تشکلهای و در حوزه دینی، افسوس‌زدایی و سنت‌گریزی مهم‌ترین مفاهیمی هستند که خصوصیات و تمایزات نسل زد در ایران امروز را به بهترین وجه تشریح و بازنمایی می‌کنند. بر این مبنا و مبتنی بر تحلیل نتایج پژوهش‌های موجود در رابطه با مناسبات نسلی نسل زد با نسل‌های پیشین می‌توان با در نظر گرفتن دو دیدگاه پیوستگی و سرخوردگی به وجود رابطه توافقی توأم با تفاوت با والدین و تراحمی با نسل ایدئولوگ و انقلابی گفتمان حاکم اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: نسل زد، شکاف نسلی، واگرایی نسلی، انتقال نسلی، جامعه، حکمرانی

Doi: 10.22034/JSI.2025.2047481.1756

* مقاله علمی پژوهشی؛

Yahmady@pnu.ac.ir

۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): ninakarimi67@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، ص ۳۳-۵

درآمد و طرح مسئله

مفهوم نسل و روابط بین‌نسلی از مفاهیم پیچیده‌ای است که تغییرات اجتماعی و تحول ارزش‌ها و ساختارها را در طول زمان بازنمایی می‌کند. در نظریه‌های جامعه‌شناختی، بسیاری از پژوهشگران به ماهیت چندوجهی روابط بین‌نسلی پرداخته‌اند و آن را به عواملی همچون تجربه تاریخی متمایز هر نسل در مقایسه با نسل‌های دیگر و ظهور نسل‌هایی با چارچوب‌های ایدئولوژیک و اخلاقی متفاوت به‌عنوان بخشی از توسعه اجتماعی نسبت داده‌اند. در حالی که جامعه‌شناسانی مانند زیمل، برگر، لاکمن و مک‌لوهان از دست‌رفتن وحدت ارزشی و جایگزینی چندگانگی ارزشی را نتیجه ظهور نهادها و شبکه‌های اجتماعی مختلف می‌دانند که وظیفه اجتماعی‌سازی نسل جدید را بر عهده دارند، نظریه‌پردازانی مانند کارل مانهایم و رونالد اینگلهارت بر تجربیات تاریخی متمایز هر نسل و ظهور سیستم‌های فکری و ارزشی متفاوت در طول فرایند توسعه و تحول اجتماعی تأکید می‌کنند. در همین رابطه، ماهیت جهانی شکاف نسلی نشان‌دهنده تغییرات گسترده در ارزش‌ها و تحولات اجتماعی است (صبوری خسروشاهی ۱۳۹۳ به نقل از اینگلهارت). این روند، بازتاب تغییرات جهانی مداومی است که جوامع را به سوی تحول و مدرنیزاسیون سوق می‌دهد. ترسیم شکاف‌های نسلی نوعی چارچوب و مبنای انتقادی برای تحلیل چشم‌انداز اجتماعی متحول و درک پویایی روابط بین‌نسلی در چارچوب توسعه و گسترش اجتماعی است.

مانهایم معتقد است که اگرچه تغییرات نسلی برای پیشرفت و توسعه اجتماعی ضروری است، اما می‌تواند به ایجاد تعارضات نسلی نیز منجر شود. از دیدگاه او، در هر دوره، باوجود هم‌گرایی ارزش‌های قدیم و جدید، معرفی ارزش‌های فرهنگی جدید و خلق سبک‌های زندگی تازه اغلب موجب برهم‌خوردن تعادل و شک و تردید در میان نسل‌های دیگر می‌شود که به شیوه‌های فکری و رفتاری تثبیت شده عادت کرده‌اند (پروانه دانش و همکاران، ۱۳۹۳). این مسئله ممکن است توضیح دهد که چرا در غرب، تفاوت‌های بین‌نسلی نه تنها طبیعی بلکه برای پیشرفت جامعه ضروری تلقی می‌شود، اما در جوامع در حال گذار، ظهور ارزش‌های جدیدی که با هنجارهای سنتی در تعارض هستند به مثابه منشأ بی‌ثباتی و بحران شناسایی می‌شود.

در ایران، به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، مطالعات نسلی از اواخر دهه ۱۳۷۰ آغاز شد و باهدف توضیح تغییرات اجتماعی ادامه یافت. این مطالعات عموماً با تأکید بر تغییر گروه‌های مرجع، شکاف نسلی را یکی از مسائل اصلی سیاسی و اجتماعی می‌دانند. باین‌حال، می‌توان ادعا کرد که ریشه این موضوع و دغدغه‌ها عمدتاً در ساختار سیاسی و تمایل نظام حاکم به کنترل و

هدایت جامعه بر اساس رویکردها و ارزش‌های اقتدارگرایانه قرار دارد. ادامه این بحث‌ها و پژوهش‌ها نیز بر تغییرات نسل جدید و ظهور فرهنگی که مورد تأیید نظام سیاسی و دستگاه‌های فرهنگی آن نیست، تمرکز دارد. توحیدلو (۱۴۰۰)، با فراتحلیل پژوهش‌های موجود به این نتیجه رسید که بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این دوره، تفاوت‌های موجود میان نسل جدید و نسل قبلی را به غرب‌گرایی نسبت داده و با ارائه پیشنهادهایی تلاش می‌کنند آن‌ها را به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی بازگردانند.

در سال‌های اخیر، با حضور برجسته نسل زد به‌عنوان بازیگران اصلی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی، از جمله جنبش «زن، زندگی، آزادی»، موضوع شکاف نسلی اهمیت بیشتری برای دولت و جامعه مدنی پیدا کرده و به دغدغه‌ای گسترده تبدیل شده است. این موضوع توجه بسیاری از سیاست‌گذاران و پژوهشگران را به خود جلب کرده است و بنابراین ادعاهایی که سال‌ها پیش درباره شکاف یا حتی گسست نسلی آنها مطرح شده بود، اکنون با شدت بیشتری مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر در همین راستا و مبتنی بر فراترکیب مطالعات پیشین درصدد ارزیابی انتقادی پژوهش‌های انجام شده و ارائه صورت‌بندی و تصویر روشن، چندوجهی و منسجم‌تری از مفهوم نسل و روابط نسلی با تأکید بر نسل زد انجام شده است. از این‌رو، پرسش اصلی نوشتار حاضر در این رابطه است که نسل زد در ایران چه ویژگی‌ها و مختصات خاص و متمایزی دارد و روابط نسلی نسل زد با سایر نسل‌ها، در پژوهش‌های اخیر چگونه ترسیم و توصیف شده است.

ملاحظات مفهومی و نظری

در مطالعات و مباحثات معرفتی در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، نسل به‌مثابه اصطلاحی برای توصیف اشتراکات در خصایص و جهت‌گیری‌ها معرفی می‌شود. در ملاحظات تجربی، عموماً نسل یک گروه سنی تعریف می‌شود که شامل افراد هم سنی است که در مکانی مشابه زندگی می‌کنند و دارای تجربه‌های اجتماعی و تاریخی مشابهی هستند. از نظر کارل مانهایم، نسل، محل ظهور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده ریشه دارد (بابایی فرد و روحی، ۱۳۹۵). **گیدنز** نسل‌ها را همچون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی‌ای که در طول زمان ترسیم شده‌اند در نظر می‌گیرد (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰). **مارگارت مید** با توجه به انتقال ارزش‌ها و فرهنگ‌ها از نسلی به نسل بعد،

سه نوع جامعه را تعریف می‌کند: ۱. جامعه دارای فرهنگ نیاکان گرا: با انتقال فرهنگ نیاکان با کمترین تغییرات به نسل بعدی؛ ۲. جامعه فرهنگ‌های انتقالی: با انتقال ناقص فرهنگ گذشته به علت دگرگونی شرایط؛ و ۳. جامعه دارای فرهنگ‌های یادگیری: با اجتماعی شدن مجدد افراد نسل گذشته در اثر شدت دگرگونی هم‌زمان با تغییرات نسل جدید (رفیع نژاد، ۱۳۹۹).

پیر بوردیو، موضوع‌های نسلی را در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌کند. از دید وی رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به لحاظ موقعیت‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرارگرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون، میان آن‌ها ظاهر می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۳). بنابراین هرچند تجربه تاریخی و اجتماعی بالاخص در دوران نوجوانی و جوانی در شکل‌گیری نسل‌ها نقش دارند، اما تعلق به طبقات اقتصادی و اجتماعی موجود در یک جامعه می‌تواند میان افراد یک نسل تفاوت ذائقه و سبک زندگی ایجاد کند و تفاوت‌های درون نسلی را به وجود بیاورد؛ تا جایی که ارزش‌هایی که برای قشر مشخصی از جامعه کماکان پایدار مانده‌اند در زندگی عده‌ای دیگر تغییر کرده و حتی تبدیل به ضدارزش می‌شوند.

رونالد اینگلهارت نیز با تأکید بر اهمیت مناسبات نسلی برای تغییرات اجتماعی و سیاسی به گذارهای چندگانه ارزشی در جوامع غربی اشاره نموده است. تز اصلی اینگلهارت (۱۳۹۹) در سه‌گانه مدرنیزاسیون (توسعه اجتماعی - اقتصادی)، تغییرات فرهنگی (جهت‌گیری‌های ارزشی و فرهنگ سیاسی) و دموکراسی خلاصه می‌شود. در این میان، حلقه واسط گذار از نوسازی به دموکراسی، تغییرات ارزشی و فرهنگی است که در روند جایگزینی نسلی به وقوع می‌پیوندد. به عبارتی، اینگلهارت معتقد است که تغییر ارزش‌ها روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد نه مکرراً از سالی به سال دیگر. در واقع، نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های اجتماعی یک‌شبه تغییر نمی‌کنند؛ بلکه تغییر ارزش‌ها به تدریج و به صورت نامرئی و از کانال جایگزینی بین‌نسلی اتفاق می‌افتد. اینگلهارت و همکاران (۱۳۹۹؛ ۲۰۰۹) بر اهمیت جایگزینی نسلی در ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی در جوامع تأکید می‌کنند. در این مورد، مدعای اصلی این است که اولویت‌های ارزشی اساسی مردم غرب در حال تغییر بوده و نسل‌ها حاملان این تغییر هستند. اینگلهارت دو گذار ارزشی از ارزش‌های بقا به ابراز وجود و ارزش‌های سنتی به سکولار را در نتیجه آغاز فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی و ایجاد تغییرات فرهنگی در میان نسل‌های مختلف در جوامع متفاوت ملاحظه می‌کند. به باور اینگلهارت و همکاران (۱۳۹۹) از رهگذر جایگزینی نسلی دگرگونی‌های فرهنگی پایداری در فرهنگ و ابعاد مختلف جهت‌گیری‌های عامه

مردم در جوامع صنعتی و فراصنعتی ایجاد شده است که نموده‌های آن را در گسترش برابری جنسیتی، تساهل، فرا مادی‌گرایی و استقلال افراد می‌توان مشاهده کرد. بازتاب این تغییرات در سیاست منجر به ایجاد گونه‌ای از فرهنگ سیاسی شده است که اینگلهارت و اخیراً کریستین ولزل (۲۰۱۴) از آن به‌عنوان فرهنگ سیاسی رهایی‌بخش/مدعیانه^۱ یاد می‌کنند و مهم‌ترین وجه و بارزترین نمود آن را تأکید بر وجوه فرامادی ارزش‌ها در سیاست از جمله در حوزه‌هایی مانند محیط‌زیست، آزادی‌های مدنی و تساهل می‌دانند. پیش از آن، اینگلهارت و همکاران (۱۹۹۷) در مطالعات نسلی و در بررسی دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در ۴۳ کشور با طرح مفهوم تأکیدزدایی از اقتدار^۲ به عنوان ویژگی جوامع پسامدرن بر نوعی کاهش اقتدار در عرصه سیاست، دین و خانواده در میان نسل‌های جدید در جوامع معاصر غربی تأکید کرده بودند. در همین راستا، نیل نوویت^۳ (به نقل از ولزل، ۲۰۱۴) بررسی دگرگونی ارزش‌ها را با تمرکز بیشتر بر تغییرات در باورهای اقتداری شهروندان مبتنی بر نوعی جایگزینی نسلی تکمیل کرده است. او جهت‌گیری‌های مربوط به اقتدار را در روابط خانوادگی، محل کار و سیاست در طول زمان دنبال می‌کند. نوویت با به‌روزرسانی مطالعه قبلی خود با عنوان «کاهش احترام به اقتدار»^۴ (نوویت، ۱۹۶۶)، به تغییری مداوم از اطاعت از قدرت به سوی استقلال فردی بیشتر در بنیان خانواده، کار و روابط اجتماعی اشاره می‌کند. او نتیجه می‌گیرد که تغییر به سمت ارزش‌های فرا مادی‌گرایانه، ابراز وجود یا رهایی‌بخش توصیف‌شده توسط اینگلهارت و همکارانش، بازتاب استقلال فردی در حال گسترش در نحوه ارتباط افراد با یکدیگر در خانواده، محل کار و سیاست است و پایداری این تغییرات را در جایگزینی نسلی مورد تأکید اینگلهارت به تصویر می‌کشد.

طبقه‌بندی‌های نسلی در ایران

چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) بر مبنای شاخصه‌هایی همچون سن و سال، تجارب مشترک جامعه پذیری، وقایع مهم تاریخی و سیاسی و در نهایت تجربه‌های نسلی؛ نسل‌های جامعه ایرانی را با مبنا قراردادن انقلاب اسلامی در چهار گروه مشخص طبقه‌بندی می‌کند.

1 Emancipative/ Assertive
2 Deemphasizes of Authority
3 Neil Nevitte
4 The Decline of Deference

نسل اول یا نسل بنیان‌گذاران انقلاب: نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به دهه‌های سی و چهل بازمی‌گردد و تجارب مشترکی چون کودتای ۲۸ مرداد، دولت ملی مصدق و قیام پانزده خرداد را از سر گذرانده‌اند.

نسل دوم یا نسل انقلاب و جنگ: نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به دهه پنجاه و شصت بازمی‌گردد و تجربه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از مهم‌ترین تجارب تاریخی این نسل محسوب می‌شود.

نسل سوم یا نسل متولدان دهه پنجاه و شصت: نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و تجارب مشترک خاص خود را دارد.

نسل چهارم یا نسل متولدان دهه هفتاد و هشتاد: این نسل از دوران شاه هیچ‌چیزی نمی‌داند، از مبارزات ملت ایران و تحقق انقلاب اسلامی درکی ندارد و از جنگ و تبعات آن خاطره مشخصی ندارد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶)

نسل چهارم با بیشترین فاصله ارزشی و تاریخی از نسل مبدأ یا انقلابی، همچون هم سن و سال‌های جهانی خود نسل زد خوانده می‌شود آنها به‌عنوان نسلی که از بدو تولد در معرض دنیای دیجیتال قرار گرفته‌اند، شناخته می‌شوند و به دلایل گوناگونی مانند طی کردن پروسه اجتماعی شدن در فضای مجازی، دسترسی سریع به اطلاعات و امکان به‌اشتراک‌گذاری افکار و تجربه‌های خود در ابعاد گسترده، دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی هستند که آنها را به‌مثابه نسلی مجزا تعریف می‌کند. این ویژگی‌ها موجب افزایش گمانه شکاف یا گسست نسلی می‌شود تا جایی که سایت تحلیلی-خبری عصر ایران از امکان بحران‌زایی «عدم اطاعت» این نسل و تفاوت آنها با والدین مطیع‌شان برای نظام ابراز نگرانی می‌کند (محمدی، ۱۴۰۱).

روش‌شناسی

در مطالعه حاضر، از رویکرد فراترکیب بهره گرفته شده است. فراترکیب روشی است که به‌منظور تجمیع و تفسیر نتایج چندین پژوهش کیفی به کار می‌رود و هدف آن ارائه یک دیدگاه جامع و فراگیر نسبت به موضوع مورد مطالعه است (والش و دون، ۲۰۰۴: ۲۰۴). این روش با ترکیب و مقایسه نتایج پژوهش‌های مختلف، به محققان کمک می‌کند تا الگوها و مفاهیم مشترک را شناسایی کرده و درک عمیق‌تری از پدیده مورد مطالعه به دست آورند. فراترکیب به عنوان یک ابزار قدرتمند در پژوهش‌های کیفی، به محققان اجازه می‌دهد تا با ترکیب یافته‌های مطالعات

قبل، به نتایج جدید و قابل تعمیمی دست یابند. این روش با کاهش تکرار پژوهش‌ها و افزایش عمق تحلیل، به پیشرفت دانش در حوزه‌های مختلف کمک می‌کند (اروین و همکاران، ۲۰۱۱؛ هربر و همکاران، ۲۰۱۷).

فراترکیب را نباید با تحلیل ثانویه اشتباه گرفت. درحالی‌که تحلیل ثانویه داده‌های خام پژوهش‌های قبلی را بررسی مجدد می‌کند، فراترکیب بر روی نتایج و یافته‌های این پژوهش‌ها تمرکز دارد (سندولسکی و باروسو، ۲۰۰۷: ۲۰).

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند با استفاده از «معیارهای ورود» به‌عنوان فیلتر اصلی برای انتخاب مطالعات بهره گرفته شد. با معیارهای ورود، مطالعاتی که با هدف پژوهش همسو بودند، شناسایی شدند و مطالعاتی که به شناسایی و تحلیل ویژگی‌های نسل زد در دو دهه اخیر یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ پرداخته بودند، به‌عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند. در راستای دستیابی به نمونه‌ای جامع و قابل‌اعتماد، جستجوی گسترده‌ای در پایگاه‌های علمی معتبر انجام شد و پس از بررسی ادبیات اسنادی، از کتاب‌ها، مقاله‌ها و مطالب منتشرشده در فضای عمومی کشور از سوی کنشگران علوم اجتماعی طی دو دهه گذشته با تمرکز بر کلیدواژه‌های نسل زد، دهه هشتادها، نسل چهارم، گسست نسلی، شکاف نسلی، فاصله نسلی و جنبش «زن، زندگی، آزادی»، برای این منظور استفاده شد. براین‌اساس پژوهش‌های انجام شده به دودسته تقسیم‌بندی شده‌اند:

گروه نخست: مقاله‌هایی که طی دو دهه اخیر به نسل زد و رابطه نسلی آن با سایر نسل‌ها در ایران پرداخته‌اند. از مجموع مقاله‌های بررسی‌کننده شکاف نسلی در ایران تا قبل از جنبش زن زندگی آزادی و در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ در مجموع ۲۱ مقاله بر مبنای مد نظر قرار دادن یا اشاره به نسل زد (یا نسل چهارم) در روند پژوهش انتخاب شدند. از مجموع این مقاله‌ها ۱۲ مورد به شیوه پیمایشی و ۹ مورد به شیوه فراتحلیلی نگارش شده بودند. متغیرهای مورد بررسی در این مقاله‌ها شامل میزان دینداری (۱۲ مورد)، تحصیلات (۴ مورد)، رسانه‌های جمعی و اینترنت (۶ مورد)، شرایط اقتصادی (۴ مورد)، اوقات فراغت (۲ مورد)، ساختار خانواده (۳ مورد)، گرایش به گروه‌های مرجع (۲ مورد)، ارزش‌های سیاسی-اجتماعی و غیره بودند. به غیر از چهار مقاله عبداللهیان (۱۳۸۲) انسجام نسلی؛ آزاد ارمکی (۱۳۸۶) عدم وجود گسست نسلی؛ صبوری خسرو شاهی (۱۳۹۳) وفاق نسلی؛ و توحیدلو (۱۳۹۸) عدم تفاوت و تعارض با خانواده‌ها/ تعارض با آرمان‌گراها، سایر مقاله‌ها با استفاده از اصطلاح‌هایی چون شکاف نسلی (۸ مورد)

تفاوت نسلی (۳ مورد) اختلاف نسلی (۱ مورد) و گسست فرهنگی (۱ مورد) رابطه نسلی میان نسل زد را با نسل‌های پیش از خود توصیف کرده بودند. به جز غلامرضا کاشی و گودرزی (۱۳۸۳) و توحیدلو (۱۳۹۸) که رابطه نسلی با خانواده‌ها را بدون تعارض ارزشی و با گفتمان غالب دارای تعارض ارزشی توصیف کرده اند، سایر مقاله‌ها و پژوهش‌ها این دوگانگی ارزشی را چندان مد نظر قرار نداده بودند.

گروه دوم: مقاله‌هایی که به نسل زد و حضورش در جنبش زن، زندگی، آزادی پرداخته‌اند. از مجموع مقاله‌هایی که پس از جنبش زن زندگی آزادی منتشر شده بودند، باوجود اشاره اکثریت قریب به اتفاق آنها به حضور چشمگیر جوانان، تعداد کمی به تحلیل رفتارها و چرایی و چگونگی حضور این نسل پرداخته بودند. در بررسی‌های انجام شده متأسفانه هیچ مقاله مستقلی در مورد نسل زد در جنبش اخیر یافت نشد؛ اما باتوجه به سهمی که سایر مقاله‌ها برای افراد این نسل قائل شده بودند، تعداد ۹ مقاله جهت مقایسه رویکرد انتخاب شدند که عبارتند از: (صدیق ۲۰۲۲، روحی ۲۰۲۲، والش ۲۰۲۲، ابوکرم ۲۰۲۳، منشی پوری و ضمیری ۲۰۲۳، خدایی ۲۰۲۳، تربتی ۲۰۲۳، تلاف ۲۰۲۳ و پرهیزکاری ۲۰۲۴). در این میان مقاله‌های دیگری نیز مانند: هرسیچ و ربیعی نیا ۱۴۰۲ و شاهی و عبده تبریزی ۲۰۲۰ به شیوه خود نسل زد و حضورش در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ایران را مد نظر قرار داده بودند اما نگارش آنها به قبل از جنبش زن زندگی آزادی بر می‌گشت. لذا از آوردن آنها در جدول تطبیقی خودداری شد. نکته جالب توجه در مورد مقاله‌های به نگارش درآمده پس از جنبش این بود که کلیه آنها به زبان انگلیسی نوشته شده بودند و داده‌های مورد استفاده در هیچ کدام به شیوه پیمایشی جمع آوری نشده بود که این خود نشان از محدودیت فعالیت میدانی، نظام مند و دانشگاهی در این حوزه دارد. اکثر آثار پژوهشی در مورد این نسل و چرایی مشارکتشان در جنبش زن، زندگی، آزادی توسط جامعه‌شناسان و متفکران داخل ایران در قالب گفتگوها و اظهار نظرهای غیر رسمی و رسانه‌ای اتفاق افتاده بود و از این رو به ناچار در روند پژوهش به این گونه آثار نیز ارجاع داده شد و آنها نیز به مجموعه مورد بررسی در پژوهش اضافه شدند.

همچنین فرایند اصلی تجزیه و تحلیل اطلاعات در مطالعه حاضر، استخراج اطلاعات از مقاله‌های مورد مطالعه و سپس ترکیب آنها با بهره‌گیری از تکنیک‌های «کدگذاری» بوده است. کدگذاری، مهم‌ترین مرحله در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها در مطالعات فراترکیب است. در پژوهش حاضر، یافته‌های مقاله‌های مورد بررسی به روش کدگذاری چندمرحله‌ای تحلیل شدند.

در مرحله اول، از روش «کدگذاری باز» استفاده شد. در این روش، اطلاعات استخراج شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه شدند و در پی آن، مفاهیم کلیدی، شناسایی و برچسب‌گذاری گردیده و در نهایت داده‌ها دسته‌بندی شدند. پس از تحلیل کیفی محتوای مقاله‌ها، در مرحله نهایی کدگذاری باز، ۲۴۳ کد باز و یا مفهوم اولیه در داده‌ها شناسایی و استخراج شد. سپس، با استفاده از روش کدگذاری محوری این مفاهیم مشابه با هم ترکیب شده و به ۲۰ مفهوم کلی‌تر دسته‌بندی شدند. در نهایت، این ۲۰ مفهوم نیز در قالب یک مقوله کلان‌تر قرار گرفتند که به‌عنوان برچسب و چتر فراگیر توضیح‌دهنده محتوای جهت‌گیری‌های نسل زد در چهار حوزه خانواده، دین، سیاست و محیط کار شناسایی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این مطالعه در دو حوزه قابل‌تحلیل و توصیف است. حوزه نخست فراترکیب مطالعات صورت‌گرفته در رابطه با مهم‌ترین خصایص و جهت‌گیری‌های نسل زد است. به سخن دیگر، اینکه نمود و بازنمایی ارزشی و فکری نسل زد را بیش از هر چیز با چه برچسبی می‌توان نام‌گذاری کرد؛ و حوزه دوم، مربوط به روابط میان نسلی نسل زد با نسل‌های پیشین است. در اینجا یافته‌های هر کدام از این دو حوزه به‌صورت مختصر و مستدل مورد بررسی، توصیف و تحلیل قرار خواهد گرفت.

تنزل تمکین / کاهش تسلیم: از سنت‌گریزی تا بی‌اعتمادی نهادی

همان‌گونه که اشاره شد یافته‌های مطالعه حاضر پس از کدگذاری مطالعات و پژوهش‌های پیشین در دو گروه از مطالعات پیش از جنبش «زن، زندگی و آزادی» و پس از آن، در مجموع منجر به استخراج بیش از ۲۰۰ کد باز و حدود ۳۴ مفهوم برای هر دو دوره در حوزه توصیف جهت‌گیری‌های ارزشی نسل زد بوده است. مفاهیم اصلی برای نسل زد در مطالعات پیش از جنبش حاوی مواردی مانند: خردورزی؛ مدنیت؛ تفکر نقادانه؛ غوطه‌وری در فضای مجازی؛ وابستگی مزمن به فضای مجازی؛ تساهل‌گرایی / تکرر گرایی؛ سنت‌گریزی؛ تمایل به مصرف متظاهرانه؛ خوداتکایی معرفتی؛ هنجار‌گریزی؛ ریسک‌پذیری فزاینده؛ بی‌اعتمادی / داشتن عدم قطعیت؛ شکاکیت نسبت به آینده؛ تقدس‌زدایی / افسون‌زدایی؛ ناهم‌نوا گرایی؛ محیط‌زیست دوستی؛ و مساوات‌طلبی بوده است. جدول شماره (۱) جزئیات کدگذاری و دسته‌بندی مفهومی را نشان می‌دهد.

جدول (۱): مقوله‌بندی جهت‌گیرهای ارزشی و تمایلات رفتاری تسل زد پیش از جنبش

مقولات/مقوله	مفاهیم	کدهای باز و اولیه
تنزل تمکین / افول تسلیم	مدنیت	اجتماعی و برون‌گرا: تمایل به برقراری ارتباطات متنوع و برهمکنش‌های گسترده.
		علاقه‌مند به گفت‌وگو و برهمکنش‌گرا: توانایی بحث‌وبررسی موضوعات مختلف با دیگران.
		مشارکت‌جو: تمایل به فعالیت‌های گروهی و جمعی.
		پرسشگر و خردگرا: علاقه به سؤال کردن، تحلیل مسائل، و دنبال کردن منطق.
	رفاه‌گرایی	مصمم و دارای استقلال فردی: توانایی تصمیم‌گیری مستقل و پیگیری هدف‌های شخصی.
		توافق‌پذیر: تمایل به یافتن نقاط مشترک در برهمکنش‌ها.
		راحت‌طلب: گرایش به‌سادگی و رفاه در زندگی.
		کمال‌گرا: تمایل به دستیابی به بهترین نتایج در تمامی حوزه‌ها.
	تفکر نقادانه	دارای تفکر انتقادی: توانایی تحلیل اطلاعات و رد دیدگاه‌های غیرمنطقی.
		دارای خودآگاهی: شناخت دقیق از احساس‌ها، اندیشه‌ها، و هدف‌های اعتمادبه‌نفس.
		اعتماد به نفس بالا: ابراز شفاف و صریح نظر‌ها.
	غوطه‌وری در فضای مجازی	بومیان دیجیتال: عدم تصور از جهانی بدون فناوری و اینترنت.
		زندگی در جهانی درهم‌تنیده با فناوری: استفاده از ابزارهای دیجیتال در همه جنبه‌های زندگی.
		وابستگی روانی به اینترنت: احساس اضطراب یا پریشانی در صورت قطع ارتباط با فناوری.
	وابستگی مزمن به فضای مجازی	اعتماد به فضای مجازی: صرف زمان بیش از حد در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.
		کاهش اصالت در ارتباطات آنلاین: جایگزینی روابط حضوری با روابط مجازی.
کاوش خود آنلاین: بازسازی هویت در فضای مجازی برای تأیید اجتماعی.		
تساهل‌گرایی / تکثرگرایی	کاهش شکاف جنسیتی: عادت به برابری جنسیتی در محل کار و زندگی.	

مقولات / مقوله	مفاهیم	کدهای باز و اولیه
		تحمل تنوع دینی و فرهنگی: پذیرش دیدگاه‌ها و باورهای متفاوت به علت برهمکنش‌های مجازی.
		تکثرگرایی و عدم قالب‌بندی: احترام به تفاوت‌های فردی و آزادی‌های شخصی.
	سنت‌گریزی	جهانی‌شدن فرهنگی: آشنایی با فرهنگ‌های جهانی و تأثیرپذیری از آن‌ها.
		پذیرش فرهنگ غرب: الگوگیری از سبک زندگی، محصولات، و ارزش‌های غربی.
		رد هنجارهای اجتماعی قدیمی: عبور از ارزش‌های سنتی مانند محدودیت‌های مذهبی.
	تمایل به مصرف متظاهرانه	زیستن در لحظه: تمرکز بر لذت آنی و رفاه فوری.
		گرایش به سبک‌های غیررسمی: هنجارشکنی در پوشش، رفتار، و ارتباط.
	هنجارگریزی	پارتی‌ها و موسیقی‌های زیرزمینی: تمایل به مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی خارج از ساختار رسمی
		بیگانگی با نسل‌های پیشین: فاصله ارزشی و نگرشی با والدین و نسل‌های گذشته.
		سردرگمی فرهنگی: تضاد بین هویت سنتی و مدرن. فقدان حس تعلق: از بین رفتن احساس ارتباط با سرزمین و خانواده.
	خوداتکایی معرفتی	دسترسی به منابع جهانی: یادگیری آسان و سریع از اینترنت.
		کاهش نیاز به معلمان سنتی: یادگیری مستقل و استفاده از پلتفرم‌های آموزشی.
		استقبال از نوآوری: تمایل به پذیرش روش‌های جدید در یادگیری.
	ریسک‌پذیری فزاینده	دیدن کار به‌عنوان وسیله معیشت: نه بخشی از هویت، بلکه ابزاری برای استقلال مالی.
		ایجاد مشاغل دیجیتال: راه‌اندازی کسب‌وکارهای آنلاین مانند فروشگاه‌ها.
		ارجحیت پول: ترک موقعیت شغلی به علت درآمد بیشتر.
		تغییر آسان مشاغل: انعطاف‌پذیری بالا در تغییر مسیر شغلی
	بی‌اعتمادی/عدم قطعیت	کاهش اعتماد اجتماعی: کاهش برهمکنش‌های حضوری و شیء‌انگاری مخاطب

مقولات/مقوله	مفاهیم	کدهای باز و اولیه
		بی‌سامانی در روابط: ناتوانی در ایجاد روابط عمیق و پایدار.
		امکان گمنامی در فضای مجازی: تسهیل اشتراک‌گذاری نظر و دیدگاه بدون ترس از قضاوت
	شکاکیت نسبت به آینده	بدبینی نسبت به آینده: نگرانی از بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، و اجتماعی.
		احساس نداشتن چیزی برای از دست‌دادن: ناامیدی از آینده شغلی و مالی.
	تقدس‌زدایی / افسون‌زدایی	رد آرمان‌گرایی ایدئولوژیک: تمایل به عملی‌بودن در سیاست
		تمایل به مشارکت عمومی: علاقه به تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی
		رد تابوهای اجتماعی مقدس: بازنگری در مفاهیم سنتی و دینی
	ناهم‌نوا گرای	عبور از ارزش‌های سنتی: رد اصول نسل پیشین در دین، جنسیت، و سیاست
		هنجارشکنی رفتاری: سرپیچی از قوانین محدودکننده سنتی
	محیط زیست دوستی	آگاهی از بحران‌های زیست‌محیطی: نگرانی از تخریب منابع طبیعی.
		نگرانی از بی‌توجهی به محیط‌زیست: تمایل به راه‌حل‌های پایدار برای مشکل‌های جهانی
	مساوات‌طلبی	رفع محدودیت‌های اجتماعی و حقوقی: مخالفت با نژادپرستی، جنسیت‌زدگی، و تبعیض
حمایت از آزادی‌های فردی: حفظ حریم خصوصی، آزادی پوشش، و بیان نظر و دیدگاه		

مفهوم‌های مستخرج از کدگذاری باز در مطالعات پس از جنبش نیز حاکی از مواردی مانند: مخاطره‌جویی / ریسک‌پذیری فزاینده؛ تساهل‌گرایی؛ هویت‌خواهی؛ مساوات‌خواهی/مساوات‌جویی؛ تساهل‌گرایی؛ سنت‌گریزی؛ غوطه‌وری در فضای مجازی؛ خلاقیت و ایده‌پردازی؛ استیلا ستیزی/سلطه‌گریزی؛ کنش‌گری سیاسی مؤثر و غیرمخرب؛ شالوده‌شکنی؛ سوءظن به حاکمیت؛ خودراهبری؛ نداشتن تعلق خاطر؛ بی‌اعتمادی نهادی؛ لذت‌جویی/رفاه‌طلبی/زیستن در لحظه؛ و محدودیت‌گریزی بوده است. جدول شماره (۲) جزئیات کدگذاری و دسته‌بندی مفهومی پس از جنبش را خلاصه نموده است.

جدول (۲). مقوله‌بندی جهت گیرهای ارزشی و تمایلات رفتاری نسل زد پس از جنبش

مقوله ها	مفهوم ها	کدهای باز و اولیه
تنزل تمکین / افول تسلیم	مخاطره جویی / ریسک‌پذیری فزاینده	فردگرایی و احساس خودکفایی: تأکید بر استقلال و خوداتکایی در تصمیم‌گیری.
		شجاعت و جسارت: آمادگی برای رویارویی با چالش‌ها و فشارها.
		ریسک‌پذیری: داشتن جرئت در انتخاب‌ها و پذیرش خطرات.
		مطالبه‌گری و آگاهی: درخواست شفافیت، عدالت، و حقوق برابر.
	تساهل‌گرایی	واقع‌گرا و صادق: تمرکز بر حقایق و دوری از آرمان‌گرایی غیرعملی.
		اهل مذاکره: جستجوی تفاهم و توافق در مواجهه با مشکل‌ها.
		مصرف‌گرایی: علاقه به تجربه محصولات و خدمات مدرن.
	هویت‌خواهی	عمل‌گرایی: تمرکز بر اقدام‌هایی که نتایج ملموس و سریع دارند
		ایجاد هویت ملی جدید و دموکراتیک: گرایش به ارزش‌های نوین و جهانی.
		گشتن به دنبال هویت‌های جایگزین: بازتعریف خود با فاصله از سنت‌ها.
	مساوات خواهی / مساوات‌جویی	شکل‌دهی به هویت از طریق برهمکنش جهانی: تأثیرپذیری از ایده‌ها و فرهنگ‌های مختلف
		دور زدن هویت سنتی تحمیل‌شده: رد ارزش‌های مذهبی و ایدئولوژیک.
		جابه‌جایی مرزها و هنجارهای اجتماعی: پذیرش سبک‌های جدید زندگی.
	تساهل‌گرایی	انتقاد از مرجعیت مردسالارانه: مخالفت با قوانین و ساختارهای مردسالارانه مانند حجاب اجباری.
		برابری جنسیتی: تأکید بر حقوق برابر زنان و مردان.
تکثرگرایی و تحمل‌پذیری: احترام به تنوع دینی، نژادی، و فرهنگی.		
سنت‌گریزی	حقوق بشر و محیط‌زیست: تعهد به ارزش‌های جهانی؛ مانند حفظ محیط‌زیست و حقوق حیوانات	
	فاصله فرهنگی با گفتمان دینی: رد آموزه‌های مذهبی تحمیل‌شده.	
		عدم آرمان‌گرایی ایدئولوژیک: تمرکز بر عمل‌گرایی به‌جای آرمان‌پردازی‌های بلندپروازانه.

مقوله‌ها	مفهوم‌ها	کدهای باز و اولیه
	غوطه‌وری در فضای مجازی	ایجاد گفتمان عمومی آنلاین: استفاده از فضای مجازی برای شکل‌دهی به ایده‌ها و تبادل نظر.
		استفاده از زبان فضای مجازی (هشتگ‌ها): ایجاد موج‌های اجتماعی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها.
		برقراری همپوشانی بین کنش‌های فیزیکی و مجازی: ادغام فعالیت‌های آنلاین و اعتراض میدانی
	خلاقیت و ایده‌پردازی	دسترسی به ایده‌های جهانی: از برابری جنسیتی تا حقوق بشر.
		غلبه بر سانسور با استفاده از فناوری: استفاده از ابزارهای دیجیتال برای دستیابی به حقایق.
		مشارکت بین‌المللی: ارتباط و جلب حمایت جهانی در مورد مسائل داخلی ایران با روایت تجربه‌ها و اندیشه‌های فردی.
	استیلا ستیزی / سلطه‌گریزی	ابراز خشم علیه محدودیت‌های حکومتی: اعلام نارضایتی از طریق اعتراض‌های آنلاین و حضوری.
		سرپیچی از وضع موجود: مخالفت با هنجارهای سنتی و سیاسی.
		تبدیل ترس به عصبانیت: از سکوت به مقاومت.
	کنش‌گری سیاسی مؤثر و غیرمخرب	سازماندهی اعتراض‌های غیرمتمرکز: بسیج منابع و ایجاد شبکه‌های اجتماعی.
		شبکه‌سازی برای فعالیت‌های سیاسی: جلب حمایت عمومی و ایجاد جنبش
		نافرمانی مدنی: مشارکت در اقدام‌های غیرخشونت‌آمیز برای مقابله با محدودیت‌ها.
شالوده‌شکنی	فاصله از ارزش‌های حکام سالخورده: تضاد با ایدئولوژی‌های نسل‌های پیشین.	
	رد کاریزما و فضای فره‌گرایانه: بی‌اعتقادی به سیاستمداران اقتدارگرا.	
	تحقیر ارزش‌های نظام حاکم: بی‌اعتمادی به اصلاحات در چارچوب فعلی.	
سوءظن به حاکمیت	اعمال محدودیت‌های بیشتر: مقابله حکومت با آزادی‌های فردی و اجتماعی.	
	فقدان زبان مشترک با مسئولان اجرایی: ناتوانی در برقراری ارتباط با حاکمیت.	

مقوله ها	مفهوم ها	کدهای باز و اولیه	
	برخورداری از حمایت والدین	حمایت والدین تحصیل کرده: همدلی والدین با اعتراض‌های نسل زد. تأثیر خاطرات و محدودیت‌های والدین: ارتباط والدین با تجربه نابرابری و تبعیض.	
		شکاف ارزشی با نسل‌های پیشین: تفاوت دیدگاه در موضوع‌های مذهبی و سیاسی بیگانگی با نسل‌های پیشین: ناتوانی در پذیرش ارزش‌های سنتی.	
	خود راهبری	رکود و تورم اقتصادی: زندگی تحت فشار تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی. احساس نداشتن چیزی برای از دست دادن: انگیزه قوی برای مشارکت در اعتراضات	
		طردشدگی اجتماعی: به رسمیت شناخته نشدن تفاوت‌ها و باورهای جدید. ریاکاری و فساد اداری: آگاهی از ناکارآمدی ساختارهای دولتی.	
	نداشتن تعلق خاطر	آزادی بیان و شادی: تمایل به زندگی آزاد و شاد. کنترل بر نحوه زندگی خود: آزادی در پوشش، رفتار، و سبک زندگی. حقوق انسانی و عقلانیت: تأکید بر تصمیم‌گیری‌های منطقی و انسانی.	
		رهایی از محدودیت‌ها: تلاش برای بازپس‌گیری هویت فردی و اجتماعی. ساختن آینده‌ای بهتر: تمرکز بر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی.	
	بی‌اعتمادی نهادی	لذت‌جویی / رفاه‌طلبی / زیستن در لحظه	
		محدودیت‌گریزی	

در بررسی مفهوم‌های مستخرج از مطالعه‌های پیشین بهترین مقوله و برجستگی که می‌تواند این مفاهیم را زیر چتر واحدی گرد آورد و البته توصیف دقیق‌تری از وضعیت نسل زد در ایران امروز ارائه کند مفهوم **تنزل تمکین یا کاهش احترام به اقتدار** است که در میان مفهوم‌های مستخرج از کدهای باز به شیوه‌های مختلفی نمود یافته است. تنزل تمکین در حقیقت به جهت‌گیری‌های نسل زد در حوزه اقتدار و روند رو به افول تمکین و تسلیم در برابر انواع اقتدار اشاره دارد. نتایج فراترکیب و تحلیل مطالعات حاکی از آن است که در میان حاضران در نسل زد در ایران نوعی روند نزولی در احترام به اقتدار در جنبه‌های مختلف آن قابل‌ملاحظه است. چهار وجه‌بنیادی در تنزل تمکین در میان نسل زد را از نتایج فراترکیب پیش روی می‌توان استنباط و

استنتاج کرد. روند نخست و بنیادی تنزل تمکین در حوزه **خانواده** بوده است. خانواده همواره به‌مثابه یکی از کانون‌های روابط سلسله‌مراتبی و احترام به اقتدار از دوران سنتی به‌ویژه در بافتار کهن ایران نقش پررنگی داشته است. اهمیت جهت‌گیری‌های اقتدار در خانواده و تأثیر آن بر سایر حوزه‌ها، توسط متفکران جامعه‌شناس بسیاری مورد توجه قرار گرفته است. اینگلهارت (۱۹۹۰) با تأکید بر اهمیت جامعه‌پذیری اولیه که عموماً در خانواده شکل می‌گیرد، بر نقش خانواده برای جهت‌گیری‌ها ماندگار شهروندان و اهمیت آن برای فرهنگ سیاسی تأکید می‌گذارد. اکستین (۱۹۸۸: ۶۸۰) با تمرکز بر «یادگیری تعیین شده فرهنگی»، بر اهمیت یادگیری اولیه (در خانواده) برای محدود و مشروط نمودن یادگیری ثانویه تأکید می‌کند. تحقیقات گسترده‌ای به‌وضوح اهمیت جامعه‌پذیری پیش از بزرگسالی را در شکل‌گیری جهت‌گیری‌های اصلی افراد نشان می‌دهد (گالستون ۲۰۰۱؛ جنینگز و استوکر ۲۰۰۹؛ جنینگز ۲۰۰۲؛ کمپل ۲۰۰۶؛ میلر و سیرز ۱۹۸۶). زمان دقیق درونی شدن این نگرش‌ها و میزان تغییرپذیری ارزش‌هایی که در این مراحل شکل‌گیری آموخته می‌شوند، همچنان موضوع بحث است. اما اجماع بر این است که سال‌های شکل‌گیری ذهنیت و تفکر پیش از بزرگسالی به‌ویژه برای درک چارچوب نگرش‌های اصلی در مراحل بعدی زندگی بسیار اهمیت دارد. یکی از دستاوردهای ماندگار پژوهش‌های اولیه در زمینه جامعه‌پذیری، تأکید بر این موضوع بود که خانواده یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های این فرایند است. پژوهشگران تمرکز بر خانواده (به‌ویژه والدین) را به‌عنوان عامل کلیدی جامعه‌پذیری توجیه کردند و این تمرکز را مبتنی بر اهمیت خانواده در زندگی کودک، مدت‌زمان طولانی ارتباط کودک با والدین در مراحل اولیه چرخه زندگی و درجه نسبتاً بالای ثبات مشاهده‌شده در فرهنگ‌های سیاسی دانستند (جنینگز، ۲۰۰۷: ۳۸). تحقیقات بعدی نیز بر اهمیت خانواده در فرایند یادگیری سیاسی تأکید گذاشته‌اند (میلر و سیرز، ۱۹۸۶؛ وربا، شلوزمن و بردی، ۱۹۹۵). همان‌طور که برنز و همکاران (۲۰۰۱) بیان می‌کنند، خانواده نهادی است که بر اساس «تربیت» شکل گرفته است نه «انتخاب». مسئله خودانتخابی که مشکل بسیاری از مطالعات جامعه‌پذیری نهادی است، در اینجا مطرح نمی‌شود. منطقی است که فرض کنیم تأثیراتی که وجود دارند واقعاً نتیجه تربیت هستند. توافق والدین و فرزندان می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط علی محتملی به دلیل یک مکانیسم یا ترکیبی از چندین مکانیسم باشد. این تأثیرها ممکن است ریشه در جنبه‌هایی از نظریه یادگیری اجتماعی داشته باشند - مانند فرایند ارائه نشانه‌ها و تقویت در خانواده، تأثیر ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانواده (جنینگز، ۲۰۰۷)، یا مسیر «محیط اجتماعی»

جامعه‌پذیری والدین (دالتون، ۱۹۸۲). مفاهیمی مانند محدودیت‌گریزی، خود راهبری، خوداتکایی که از جمله مفهومی‌های مستخرج از کدهای باز در مطالعات پیشین است همگی حاکی از تأکید بر استقلال فردی افراد و خودهدایت‌گری نسل زد هستند. در مجموع، تأثیر این تغییرات با دور شدن از اقتدار پدرسالارانه در خانواده و حرکت به سمت محیط خانوادگی برابرتر همراه بوده است. بازتاب چنین جهت‌گیری‌ها و رویکردهایی در حوزه خانواده، در سال‌های بلوغ خود را در سنت‌گریزی، هویت‌خواهی، جهان‌وطنی بودن، شالوده‌شکنی و... نمایان می‌کند که وجه دیگری از تنزل تمکین در نسل زد در ایران بوده و تنزل تمکین در حوزه دین‌داری را به تصویر می‌کشد. خروجی جهت‌گیری ارزشی و کاهش احترام به اقتدار در حوزه‌های خانواده و دین به‌عنوان بنیان‌ها و کانون‌های اصلی و اولیه جامعه‌پذیری افراد در دوره‌های بعد در کاهش التزام و احترام به اقتدار در سیاست و محیط کار نمود می‌یابد. کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی نمود بارز تقویت چنین جهت‌گیری‌هایی است. کاهش سطح احترام و تبعیت، به نظر می‌رسد که به طور سیستماتیک با کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، خدمات مدنی و پلیس مرتبط است. علاوه بر این، کاهش احترام در خانواده و بنیان دینی به‌مثابه مبنای حکمرانی پس از انقلاب در ایران با افزایش تساهل در جامعه و تمایل بیشتر نسل زد به مشارکت در انواع رفتارهای مدنی، چنان‌که در مفهومی‌های مستخرج از کدهای باز پژوهش‌های موجود نشان داده شد، همراه بوده است. چنین استنباطی با پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط نیل نوویت (۲۰۱۴) در رابطه با اعتماد پایین به نهادهای اقتدارگرا مانند پلیس و ارتش و خدمات دولتی و پارلمان و گرایش‌های کمتر به تابعیت از اقتدار سیاسی در میان نسل جوان در جوامع غربی هماهنگ است و نهایتاً اینکه به نظر می‌رسد هماهنگی پایداری میان گرایش‌های اقتدار در این حوزه‌های خانوادگی، دینی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد که سبب تقویت و توان‌افزایی همدیگر می‌شوند.

جدول (۳). مقوله‌بندی روابط بین نسلی نسل زد با نسل‌های پیشین

مقوله	مفهوم	کدهای آزاد موجود در یافته‌ها
رابطه تزاومی و منقطع با گفتمان غالب و نسل حافظ ارزش‌های انقلاب اسلامی	شکاف نسلی	افزایش استفاده از شبکه‌های ارتباط جمعی و تغییر در سرمایه‌های فرهنگی
		کاهش اعتماد اجتماعی با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی
		وجود تفاوت چشمگیر میان جوانان و بزرگسالان در پایبندی به مناسک دینی
		پذیرش فناوری‌های جدید و ایده‌های جهانی در مورد برابری

مقوله	مفهوم	کدهای آزاد موجود در یافته‌ها		
		جنسیتی		
		تغییر در نوع و کیفیت ارتباطات نارضایتی از سوءمدیریت و در نظر گرفته نشدن مطالبات جوانان		
	گسست نسلی	سرد شدن الگوهای اقناعی انقلاب و جنگ		
		افول شکل‌های سنتی اقتدار با تغییر هنجارهای فرهنگی		
		عدم وجود زبان مشترک بین مسئولان و نسل زد		
		وجود تفاوت‌های اساسی با اخلاقیات و سبک زندگی معیار دولت و نسل انقلاب		
		جهانی شدن و امتناع از پذیرش نقش شهروند محلی توسط جوانان		
		نافرمانی و سرخوردگی نسل جدید از عدم تحقق انتظاراتها و مطالبه‌های اجتماعی		
		رابطه توافقی و تداومی با سایر نسل‌های پس از انقلاب	تفاوت ارزشی	تغییر نگرش و سلیقه افراد در اثر تبلیغات گسترده و مصرف‌گرایی
				عدم تقدیس فقر و فاصله گرفتن از ایدئولوژی‌های کلاسیک
عدم حمایت از ارزش‌های اقتدارگرایانه و پدرسالارانه				
کاهش پایبندی به دین و افزایش ارزش‌های سکولار و عقل‌گرایانه				
میل به مدرنیته و بازنمایی هویت جنسی				
تغییر در معیارهای داوری اخلاقی و بدبینی به گروه‌های مرجع سنتی				
وفاق نسلی	بهبود روابط بین‌نسلی از طریق رفتار دموکراتیک والدین			
	کاهش پایبندی به مناسک دینی در نسل زد			
	افزایش حمایت از برابری جنسیتی در نسل‌های پس از انقلاب			
	اجتماعی شدن دوباره والدین در اثر استفاده از شبکه‌های مجازی			
	وجود تجربه‌های مشترک بین‌نسلی مانند بحران‌های مالی و سیاسی			
عدم بروز شکاف بین والدین و فرزندان به رغم تفاوت ارزش‌ها و همگرایی ارزشی				
حمایت والدین از فرزندان و درک مطالبات آنها برای داشتن آزادی و زندگی مطلوب				
کاهش شکاف بین‌نسلی با بالا رفتن طبقه خانوادگی مانند سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی				

روابط میان نسلی نسل زد: دوگانه تزاحم و تداوم

برای بررسی نوع روابط نسل زد با نسل‌های پیشین در ایران، در هر دو گروه مقاله‌های نگارش شده قبل و بعد از جنبش «زن، زندگی، آزادی»، بار دیگر از روش کدگذاری آزاد استفاده شد و از یافته‌های ۳۰ مقاله مورد مطالعه، در مجموع ۲۶ کد تکرار شونده استخراج شد که در ۴ مفهوم روابط بین نسلی را در مورد نسل زد و نسل‌های پیش از آن توصیف می‌کردند. این مفاهیم شامل روابط بین نسلی همچون شکاف نسلی، گسست نسلی، تفاوت ارزشی و وفاق نسلی بوده است. جدول شماره (۳) جزئیات کدگذاری و دسته‌بندی مفهومی را ارائه نموده است.

با بررسی مفهوم‌های مستخرج از مطالعات پیشین و مقایسه آنها می‌توان هم‌زمان ۲ مقوله را برای توصیف این مفاهیم تعریف کرد که در میان مفهوم‌های مستخرج از کدهای باز به شیوه‌های مختلف نمود یافته‌اند. این دو مقوله که شامل رابطه تزاحمی و منقطع با گفتمان غالب و نسل حافظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و رابطه توافقی و تداومی با سایر نسل‌های پس از انقلاب است، وضعیت پیچیده و منحصر به فرد نسل زد ایرانی را در مقایسه با سایر هم‌نسلانش در دیگر نقاط جهان نشان می‌دهد. این دوگانگی را می‌توان با اتکا بر نظریه‌های اینگلهارت و در نظر گرفتن دو دیدگاه پیوستگی و سرخوردگی توضیح داد.

پیوستگی: این مفهوم به‌عنوان یکی از نظریه‌های کلیدی در جامعه‌شناسی، نقش محوری در تبیین رابطه بین افراد و نظم اجتماعی ایفا می‌کند. این نظریه که نخستین بار توسط گلن (۱۹۷۴) مطرح شد، نشان می‌دهد که تعهد افراد به نظم اجتماعی و اقتصادی موجود با میزان سرمایه‌گذاری اجتماعی و مالی آن‌ها در این نظم همبستگی مستقیم دارد. یعنی هر چه فرد به این نظم بیشتر متعهد باشد، به دلیل خطر از دست دادن منافع، در برابر دگرگونی‌ها مقاومت بیشتری نشان می‌دهد. هاینک (۲۰۲۳) در مقاله اش به این نکته اشاره می‌کند که مفهوم پیوستگی به‌طور ذاتی با برنامه‌ریزی بلندمدت گره خورده است؛ به این معنی که از سویی تعهد به نظم موجود، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، خود برنامه‌ریزی بلندمدت نیز مستلزم وجود نوعی پیوستگی است. با این حال، وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران، به‌ویژه در دو دهه گذشته، شرایط خاصی را برای نسل زد رقم زده است که در آن، برنامه‌ریزی بلندمدت به دلیل بی‌ثباتی گسترده جای خود را به هدف‌های کوتاه مدت داده است. این نسل، تحت تأثیر ناامنی‌های اقتصادی، سو مدیریت در حوزه‌های سیاسی و مالی، و تجربه بحران‌هایی همچون همه‌گیری کرونا، فروپاشی نسبی نظام‌های اقتصادی و زیستن زیر سایه

تحریم‌ها، عملاً چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای تضمین منافع خود در نظم موجود نمی‌بیند (منشی پوری و ضمیری، ۲۰۲۳). مطالعات نشان می‌دهند که نسل زد ایرانی، برخلاف نسل‌های پیشین، به دلیل دسترسی گسترده به اطلاعات در فضای مجازی و تجربه مستقیم دگرگونی‌های اجتماعی، دچار بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به نظم موجود است. کنشگران متعلق به این نسل که با روایت‌های مستند از بی‌عدالتی و نابرابری موجود در جامعه از طریق شبکه‌های اجتماعی آشنا شده‌اند، نسبت به ساختارهای سنتی تردید دارند و تمایل به برابری جنسیتی و نژادی و تجربه زندگی در فضایی جهانی باعث شده است که ارزش‌های حاکم را به چالش بکشند و پیوستگی سنتی را نه تنها ناکارآمد، بلکه مانعی بر سر راه تحقق آرزوهای خود بدانند. ایده زیستن در لحظه که از طریق امکان تغییر مشاغل و دستیابی به استقلال مالی به کمک فناوری‌های اینترنتی و همچنین مقایسه سبک‌های زندگی در فضای مجازی تقویت شده است از سویی و کاهش اقتدار در ساختارهای خانوادگی همراه با تلاش نسل زد برای به‌دست‌گیری کنترل زندگی و آینده خود از سوی دیگر، به بروز گسستی میان این نسل و گفتمان غالب مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی منجر شده است. این گسست، رابطه‌ای تعارض‌آمیز و تزاومی میان ارزش‌های سنتی و نگرش‌های نوگرایانه نسل زد ایجاد کرده است. افزون بر این، باور نسل زد به این‌که در صورت عدم تغییر نظم موجود، آینده‌ای مطلوب نخواهد داشت، آنان را به سوی پذیرش ریسک‌های بالاتر و تلاش برای ایجاد تغییرات بنیادی سوق داده است. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که نسل زد ایران، عمدتاً در فضایی ذهنی و خودساخته زندگی می‌کند که به طور جدی در تضاد با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی تحمیل‌شده از سوی نظام حاکم قرار دارد.

سرخوردگی: این دیدگاه توضیح می‌دهد که چرا با افزایش سن، برخی افراد به محافظه‌کاری گرایش پیدا می‌کنند. این نظریه بیان می‌کند که با افزایش تجربه، فرد تحت‌تأثیر سختی‌ها و واقعیت‌های زندگی قرار می‌گیرد. با آشنایی بیشتر با جهان، افراد مشاهده می‌کنند که دگرگونی‌های سریع اجتماعی چه پیامدهایی دارد یا چگونه با ازدست‌رفتن روش‌های قدیمی، مشکل‌های جدیدی ایجاد می‌شود. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که شاید حفظ ثبات در امور اجتماعی و اقتصادی ارزشمند باشد (گلن، ۱۹۷۴). برطبق نظریه سرخوردگی، جوانان هنوز به اندازه کافی شکست نخورده‌اند تا از همه راه‌حل‌های اصلاحی و انقلابی ناامید شوند. با این حال هاینک (۲۰۲۳) معتقد است جوانانی که مجبور بوده‌اند برای والدین خود در نظام‌های پیچیده دولتی یا بورکراسی‌های شرکتی نقش مترجم را ایفا کنند یا آن‌ها را در گذر از موانع کمک کنند،

نیازی به آموختن درباره ناکارآمدی، طمع، بی‌کفایتی یا ناامنی ندارند. از دید وی «کسانی که تحت نظارت شدید اما بدون حمایت کافی از سوی نظام قضایی کیفری قرار گرفته‌اند، یا با دستگاه‌های کیفری مواجه بوده‌اند، یا اجرای قوانین مهاجرتی را به چشم دیده‌اند، هیچ توهمی درباره خیرخواهی دولت و مأموران آن ندارند.» نسل‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران که به دلایلی چون افزایش سطح تحصیلات، ارتباطات و رسانه‌های جمعی، درآمد، شهرنشینی و صنعتی‌شدن، آگاه‌تر شده و از ارزش‌ها و نگرش‌های نوین و دموکراتیک برخوردار شده بودند طی سال‌ها و به دلایل گوناگون امکان مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی و راهی برای تحقق خواسته‌های خود نیافتند و در نتیجه دچار احساس بیگانگی سیاسی، بی‌معنایی سیاسی، بی‌قدرتی سیاسی و انومی سیاسی - اجتماعی در حد بالا شدند (سردارنیا، ۱۳۸۷). آنها که طی دهه‌ها سبک‌های زندگی متفاوت از معیار خود را پنهان کرده بودند (روحی، ۲۰۲۲)، طی سال‌ها و با تجربه ناکامی از جنبش‌های گوناگون به این نتیجه رسیدند که باید برای فرزندان و وابستگان جوانتر خود فضایی متفاوت از آنچه تجربه کرده‌اند، بسازند و از این رو با تغییر شیوه‌های تربیتی و فراهم آوردن امکان آزادی بیان و استقلال در تصمیم‌گیری عملاً به تخیل اجتماعی فرزندان خود شکل دادند. در واقع عدم رضایت از شرایط موجود هرگز اجازه نداد آنها از ارزش‌های تغییر یافته و دیدگاه لیبرال خود عقب‌نشینی کنند. از سوی دیگر ظهور اینترنت و گسترش ابعاد استفاده از آن، چنان دگرگونی‌ای در جامعه ایجاد کرده است که به قول مید، نسل گذشته در وضعیت جدید نه تنها نمی‌تواند الگوی نسل جدید باشد؛ بلکه باید برای تداوم حیات خویش، ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی خود را بر مبنای فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و دست به اجتماعی شدن مجدد بزند. این اجتماعی شدن مجدد، همگام با تلاش‌های نسل نو برای یافتن راه‌حل‌های تازه، شکاف نسلی را کاهش داده و درک تازه‌ای از روابط نسلی را شکل می‌دهند (رفیع نژاد، ۱۳۹۹). در نتیجه افراد این نسل‌ها با رویکردی حمایت‌گرانه جوانان را در راه رسیدن به مطالبه‌های خود، همراهی کرده‌اند مطالبه‌هایی که اگرچه متفاوت از خواسته‌های والدین و وابستگان آنها در سنین جوانیشان است، اما می‌توان آنها را در تداوم همان ارزش‌ها در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش فراترکیب و با بررسی، تحلیل و تلفیق یافته‌های مختلف از مقاله‌های علمی معتبر در حوزه نسل زد در بیش از یک دهه اخیر (۱۳۹۰-۱۴۰۳) کوشید تا

تصویر روشن و متقنی از تمایزها و تشابه‌های نسل زد در زمینه ارزش‌ها، نگرش‌ها و نوع ارتباط آنها با سایر نسل‌ها ارائه دهد. نسلی که تا پیش‌ازاین در افکار عمومی، نسلی غیرسیاسی و خنثی به شمار می‌رفت و در مناسبات سیاسی جایگاه خاصی نداشت با حضور محوری و رادیکال در جنبش‌های اعتراضی اخیر، جامعه‌شناسان و دانش‌پژوهان علوم اجتماعی و همچنین سیاست‌گذاران را با پرسش‌های بسیاری در مورد ماهیت، نحوه جامعه‌پذیری، مطالبه‌ها و نوع ارتباط‌های خود با سایر نسل‌ها مواجه ساخت. برای واکاوی این موضوع، مطالعه حاضر با بررسی پژوهش‌هایی که در دهه اخیر به نگرارش درآمده و به شیوه محوری یا حاشیه‌ای نسل زد ایرانی را مورد مطالعه قرار داده بودند، کوشیده است که جهت‌گیری‌های ارزشی، تمایل‌های رفتاری، رابطه‌های میان نسلی و دلایل تعارض یا تفاهم نسلی نسل زد را مورد توجه قرار دهد. پس از استخراج بیش از ۲۰۰ کد باز و حدود ۳۴ مفهوم، در دو گروه مقاله‌های تألیفی پیش و پس از جنبش، برای توصیف خصوصیت‌های اجتماعی این نسل از مفهوم *تنزل تمکین یا کاهش احترام به اقتدار* بهره گرفته شد که در میان مفهوم‌های مستخرج از کدهای باز به شیوه‌های مختلف نمود یافته بود. تنزل تمکین در حقیقت به جهت‌گیری‌های نسل زد در حوزه اقتدار و روند رو به افول تمکین و تسلیم در برابر انواع اقتدار اشاره دارد. این مفهوم که توسط نیل نوویت (۱۹۶۶) پیشنهاد شده با تأکید بر گرایش به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، ابراز وجودی یا رهایی‌بخش در نسل‌های جدید که از سوی اینگلهارت و همکارانش مطرح شده بود، به حرکتی مداوم از سوی اطاعت از قدرت به سوی استقلال فردی بیشتر در بنیاد خانواده، کار و روابط اجتماعی اشاره می‌کند. به عقیده نوویت تغییر ارزش‌های نسلی به سمت بازتاب استقلال فردی، در حال گسترش به نحوه ارتباط افراد با یکدیگر در خانواده، محل کار و سیاست مربوط است.

نتایج فراترکیب و تحلیل مطالعات موجود حاکی از آن است که در میان اعضای نسل زد در ایران نیز نوعی روند نزولی در احترام به اقتدار در جنبه‌های مختلف قابل‌ملاحظه است. از سویی کاهش اقتدار در خانواده‌ها به دلایلی چون شکل‌گیری رویکرد دموکراتیک در والدین، تغییر الگوها و نقش‌ها به دلیل توسعه شبکه‌های ارتباط‌جمعی و همچنین جامعه‌پذیری مجدد والدین تحت تأثیر دگرگونی‌های عمیق عصر جدید بازمی‌گردد و از سوی دیگر به نظر می‌رسد این کاهش سطح احترام و تبعیت، به طور سیستماتیک با کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، خدمات مدنی و پلیس مرتبط است. علاوه بر این، کاهش احترام در خانواده و محیط کار به تمایل بیشتر نسل زد به مشارکت در انواع رفتارهای سیاسی‌ای مربوط می‌شود که با به چالش

کشیدن نخبگان همراه است. نکته مهم دیگر اینکه، در جامعه ایرانی، به مثابه جامعه‌ای دین‌محور، با حکومتی تئوکرات، تنزل تکریم در بنیادها و ارزش‌های دینی نیز به وضوح در نتایج مطالعه‌های مورد ارزیابی مشهود بوده است که نتیجه آن عموماً از سنت‌گریزی آغاز و تا خودراهبری و حتی گاه بیگانگی دینی بروز و ظهور می‌یابد. چنین روندی به تخالف میان جهت‌گیری ارزشی نسل‌های اخیر ایرانی به‌ویژه نسل زد با گفتمان دینی و سیاسی حاکم در جامعه منجر شده است. بنابراین می‌توان گفت، کاهش احترام در خانواده و مجموعه‌های مذهبی با افزایش تساهل در جامعه و تمایل بیشتر مردم به مشارکت در انواع رفتارهای مدنی در راستای به‌دست‌گیری کنترل سبک زندگی خود همراه بوده است. به این ترتیب چندین مفهوم (جدول شماره ۱ و ۲) در زمینه تساهل، مذاکره جویی و... از نتایج مطالعات پیشین در رابطه با نسل زد استخراج و استنباط شد.

بر همین اساس و برای ترسیم دقیق‌تر روابط این نسل با نسل‌های پیشین، بار دیگر از مجموع ۳۰ مقاله‌ای که روابط نسلی نسل زد را در ایران بررسی کرده بودند، ۲۶ کد تکرار شونده مرتبط با روابط نسلی استخراج شد که در ۴ مفهوم گسست نسلی، شکاف نسلی، وفاق نسلی و تفاوت ارزشی، روابط بین نسلی نسل زد را توصیف کرده‌اند. کدها و مفهوم‌های استخراج شده جهت مقوله‌بندی بر اساس دیدگاه‌های پیوستگی و سرخوردگی تحلیل شدند و نتایج نشان داد که این نسل، تحت تأثیر ناامنی‌های اقتصادی، سو مدیریت در حوزه‌های سیاسی و مالی و تجربه بحران‌هایی همچون همه‌گیری کرونا، فروپاشی نسبی نظام‌های اقتصادی و زیستن زیر سایه تحریم‌ها عملاً چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای تضمین منافع خود در نظم موجود نمی‌بیند و با بی‌اعتمادی به نظم موجود، پیوستگی آن را مانع رسیدن به هدف‌ها و آرزوهای خود می‌بیند و از این رو در رابطه‌ای تعارض‌آمیز و تزاومی با ارزش‌های سنتی قرار گرفته است.

از سوی دیگر از آنجایی که والدین و یا وابستگان آنها که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به دنیا آمده‌اند، امکان بروز تفاوت‌های نسلی و هویتی خود را نیافته‌اند و به انحاء مختلف دچار بیگانگی و آنومی سیاسی شده‌اند، میل خود را به ایجاد تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی حفظ کرده و به عکس دیدگاه سرخوردگی و نارضایتی‌شان از نظم موجود پیوسته افزایش یافته است. به همین دلیل ایده‌های نوگرایانه و دموکراتیک خود را در تربیت فرزندان و سوق دادن آنها به سمت ارزش‌هایی چون استقلال فردی و آزادی بیان به کار گرفته‌اند و با ایجاد تغییر در شکل‌های اقتدار، حمایت خود را از مطالبه‌های فرزندان برای زندگی مطلوب و آزادی بیشتر نشان داده‌اند؛ هرچند که این مطالبات کاملاً منطبق بر خواست و ایده‌های اولیه خودشان نباشد.

از این رو می‌توان رابطه نسل زد را با نسل سوم در ایران رابطه‌ای توافقی و حتی تداومی در عین وجود تفاوت‌ها دانست.

منابع

- احمدی، آرمان، و پویان احیایی. ۱۳۹۲. بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴. (۱-۲۷)
- احمدی، یعقوب، و آزاد نمکی. ۱۳۹۲. فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن). مجله جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم. شماره پیاپی (۵۱)، شماره سوم. پاییز ۱۳۹۲.
- احمدی، یعقوب، و بیتا حامد. ۱۳۹۰. سنجش وضعیت تفاوت نسلها در ابره‌های فرهنگی، اجتماع (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مجله جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و دوم. شماره پیاپی (۴۲) شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.
- ارجمندی، حسن، محسن حسن‌پور، اسحق ارجمند سیاهپوش و بهاره ارجمند سیاهپوش. ۱۳۹۲. شکاف نسلی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، ۱۱، ۲۹-۴۸
- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۷۹. بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی، نامه علوم اجتماعی، ۱۶(۱۶) ۳-۲۹
- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۶. فرآیند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیل در ایران. دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوانان و مناسبات نسلی)، شماره ۱، بهار و تابستان: ۶۸ - ۴۱.
- آزاد ارمکی، تقی، و غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی، مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اسعسی، مجید. ۱۴۰۲. نسل Z چگونه می‌اندیشد؟ فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش‌وپرورش. سال اول. شماره ۷. ۳۱۱-۳۲۱
- افضلی، رسول، و بهادر زارعی. و عباس احمدی. و سید ضیا محسنی سهی. ۱۳۹۷. تبیین ثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش آموزان شهر تهران. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۸. (۳۰۳-۳۳۵).
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر، چاپ سوم ۱۳۹۹.

- بابایی فرد، اسداله، و مریم روحی. ۱۳۹۵. بررسی تاثیر سبک زندگی بر شکاف نسلی در بین جوانان شهر کاشان. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی. سال یازهم. شماره ۳۰. ۶۱-۳۵.
- بوردیو، پیر. ۱۳۸۰. نظریه ی کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیپها. چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بیات، آصف. ۲۰۲۳. آیا ایران در آستانه انقلاب دیگری است. مجله آزادی اندیشه. شماره ۱۳. (۵۷-۴۷)
- پروازی مقدم، زهرا، کورش فتحی و اجارگاه، کامبیز پوشنه، و علی اکبر خسروی آبادی. ۱۴۰۱. برنامه درسی متناسب با ویژگی و نیازهای نسل Z یک مطالعه سنتز پژوهی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال نوزدهم. دوره دوم، شماره ۴۷ (پیاپی ۷۴). پاییز ۱۴۰۱. ۴۵-۲۳.
- توحیدلو، سمیه. ۱۴۰۰. تغییر صورت بندی نسلی در جامعه ایرانی. مسائل اجتماعی ایران. سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره ۲. ۵۷-۳۵.
- حضرتی صومعه، زهرا، و محمد رحیمی. ۱۳۹۴. بررسی جامعه شناختی رابطه رسانه های جدید و شکاف بین نسلی در بین جوانان ۲۰-۲۸ ساله و والدینشان. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۴ شماره ۳۰. (۱۴۳-۱۲۳)
- جاراللهی، عذرا، و مینو صدیقی کسمایی. ۱۳۹۲. تفاوت نسلی میان مادران و دختران: بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت نگرش ۲۰۰۷ آنها به ارزش های مربوط به خانواده. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۱۰۶-۶۹، (۱۴)۴.
- چیت ساز قمی، محمد جواد. ۱۳۸۶. بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی. جوانان و مناسبات نسلی. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۸۶ (۱۱۲-۸۵)
- دانش، پروانه، زهرا ذاکری نصرآبادی، و عظیمه سادات عبداللهی. ۱۳۹۳. تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران. جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۱۳)
- دلخواه، جلیل، شهرزاد نیری، و وحیده بابایی. تفاوت های نسلی در انگیزه خدمت عمومی. فصلنامه علمی مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹
- رضائیان، عالیه، و افسانه ادریسی. ۱۳۹۷. تأثیر شبکه های اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر مصرف فرهنگی نسل چهارم (دهه هشتاد یها) با تأکید بر تلگرام، اینستاگرام و توییتر. فصل نامه علمی پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷. ۵۴-۲۹
- رفیع نژاد، مهشید. و مهرداد جواهری پور. و زهرا قاسمی. ۱۳۹۹. مطالعه شکاف ارزشی بین نسلی زنان قوم ترکمن برحسب نقش ویژگی های فردی و عوامل زمینه ای (مقایسه بین نسلی مادران دهه ی پنجاه و دختران دهه ی هشتاد). فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی. سال شانزدهم. بهار ۱۴۰۰. شماره ۴۶.

- زواره، انسیه، عالیه شکر بیگی، و تقی آزادارمکی. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات گفتمانی نسل‌های سه‌گانه خانواده ایرانی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، اولین ویژه نامه جامعه‌شناسی خانواده، ۱۱(۱)، ۶۹-۹۱.
- زهیری، علیرضا. ۱۳۹۸. گذار نسلی در تجربه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران. سال هشتم. شماره ۲۸: ۹۵-۱۱۷
- سپاه منصور، مژگان، و رقیه نظری. ۱۴۰۰. تفاوت نسل‌ها و ویژگی‌های روانی اجتماعی نسل Z. نشریه روان‌شناسی سلامت و رفتار اجتماعی. ۲(۳) ۱۴۰۱. ۹۷-۱۰۷
- سردارنیا، خلیل اله. ۱۳۸۷. ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم در ایران، نقد تشکل‌های مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۱(۲): ۱۷۹-۱۹۵
- صبوری خسرو شاهی، حبیب. ۱۳۹۳. تفاوت بین نسلی در خانواده. نشریه مطالعات علوم اجتماعی ایران. دوره ۱۱. شماره ۴۲. (۷۸-۹۰)
- عبداللهیان، حمید. ۱۳۸۲، تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران، در مجموعه مقالات گسست نسلیها، چاپ پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۲۵۱-۲۶۶
- غلامرضا کاشی، محمد جواد، و محسن گودرزی. ۱۳۸۴. نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران. نشریه رفاه اجتماعی. دوره ۴. شماره ۱۶. ۲۵۱-۲۹۲
- فتحی، سروش، و معصومه مطلق. ۱۳۹۰. جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲(۵). ۱۴۵-۱۷۷.
- معیدفر، سعید. ۱۳۸۳. شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی، ۲۲، ۵۵-۸۰.
- منتظر قائم، مهدی، و احسان شاقاسمی. ۱۳۸۷. اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران: نگاهی فراتحلیلی با تأکید بر جوانان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴. پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۰-۱۴۲.
- نوری، زهره. ۱۴۰۱. نگاهی بر ابعاد روانشناختی و سبک زندگی نسل Z (متولدین دهه‌های هشتاد و نود). تهران. نشر بوی کاغذ.
- کوثری، مسعود. ۱۳۸۷. نسل‌های ایکس، وی و زد و سیاستگذاری فرهنگی در ایران. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره سوم. ۶۵-۸۴
- هرسیج، ح، ربیعی نیا، ع (۱۴۰۲) الگوی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه‌های مجازی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۳)، ۱-۲۲.

- Abou Karam, Shadi. 2023. SOCIAL MEDIA AND THE YOUTH ACTIVISM: THE CASE OF GENERATION Z IN IRAN. *Journal for Iranian Studies – Year 7, Issue 17, June 2023*.
- Burns, Nancy, Kay Lehman Schlozman, and Sidney Verba. 2001. The Private Roots of Public Action: Gender, Equality, and Political Participation. *Cambridge, MA: Harvard University Press*.
- Campbell, David. 2006. Why We Vote: How Schools and Communities Shape Our Civic Life. *Princeton, NJ: Princeton University Press*.
- Dalton, Russel j. & Christian Welzel. 2014. The Civic Culture Transformed From Allegiant to Assertive Citizens. *CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS*.
- Dalton, Russell. 1982. The Pathways of Parental Socialization. *American Politics Quarterly 10: 139–57*.
- Eckstein, Harry. 1988. A Culturalist Theory of Political Change. *American Political Science Review 82: 789–804*.
- Galston, William. 2001. Political Knowledge, Political Engagement, and Civic Education. *Annual Review of Political Science 4: 217–34*.
- Glenn, N. D. 1974. Aging and conservatism. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 415(1), 176-186*.
- Inglehart, Ronald, and Christian Welzel. 2009. “How Development Leads to Democracy: What Do We Know about Modernization Today?” *Foreign Affairs 88: 33–48*.
- Inglehart, Ronald. 1990. Culture Shift in Advanced Industrial Society. *Princeton, NJ: Princeton University Press*.
- Jennings, M. Kent, Laura Stoker, and J. Bowers. 2009. Politics across Generations: Family Transmission Reexamined. *Journal of Politics 71: 782–99*.
- Inglehart, R. (1997). Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Jennings, M. Kent. 2002. Generation Units and the Student Protest Movement in the United States: An Intra- and Intergenerational Analysis. *Political Psychology 23:303–24*.
- Jennings, M. Kent. 2007. Political Socialization. *Oxford Handbook of Political Behaviour, ed. Russell Dalton and Hans-Dieter Klingemann, 29–44*.
- Khodaei, S. Mahdi. 2023. *Strategic Analysis of the Woman, Life, Freedom Uprising in Iran. Iran Academia Journal*.
- Miller, Stephen, and David Sears. 1986. Stability and Change in Social Tolerance: A Test of the Persistence Hypothesis. *American Journal of Political Science 30:215–35*.
- Monshipouri, Mahmood & Ramtin Zamiri. 2023, Woman, Life, Freedom, One Year Later: Will the Iran Protests Succeed?, *MIDDLE EAST POLICY*. 2023;30:10–25.
- Najafiasl, Zohreh. 2015. Intergenerational Gap: An Emerging Phenomenon in Iran. *International Journal of Social Sciences (IJSS). Vol.5, No.1, 2015*
- Nevitte, Neil. 1996. The Decline of Deference: Canadian Value Change in Cross National Perspective. University of Toronto Press.
- Nevitte, Neil. 2014. The Decline of Deference Revisited Evidence after Twenty-Five Years. *The Civic Culture Transformed (pp.35-58)*.
- Parhizkari, Sara. 2024 : Exploring the role of female egalitarian values in the 2022 protests in Iran, , *International Review of Sociology*.1-25.
- Rouhi,Mahsa. (2022) *Woman, Life, Freedom in Iran, Survival, 64:6, 189-196*
- Shahi, Afshin & Ehsan Abdoh-Tabrizi. 2020. IRAN’S 2019–2020. DEMONSTRATIONS: THE CHANGING DYNAMICS OF POLITICAL PROTESTS IN IRAN, *Asian Affairs*

- Sydiq ,Tareq (2022) Youth Protests or Protest Generations? Conceptualizing Differences between Iran’s Contentious Ruptures in the Context of the December 2017 to November 2019 Protests, *Middle East Critique*, 31:3, 201-219
- Talattof, Kamran. 2023. The “Women, Life, Freedom” Movement in Iran: The Anatomy of a Slogan. *Freedom of Thought Journal No. 13*, 59-74
- Tofangsazi, Bashir. 2019. From the Islamic Republic to the Green Movement: Social Movements in Contemporary Iran. *Sociology Compass* 14(2)
- Torbati, Atlas 2023, ‘Iranian Zoomers, A Generation of Bravery, Hope and Invincibility’ *Discover Society: New Series* 3 (1).
- Verba, Sidney, Kay Schlozman, and Henry Brady. 1995. *Voice and Equality*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Walsh, T. 2024. TikTok as a site of social protest in Iran’s Gen-Z Uprising. *Discourse and Society*, 1-26. Advance online publication.
- Hanink, Peter A. 2023. Exploring what Millengenz think about range if social issues. *Journal Committed to Social Change on Race and Ethnicity Volume 9, Issue 2. Winter 2023, No. 10, 1-18*
- Erwin, E., Brotherson, M., Summers, J. A. (2011). Understanding Qualitative Metasynthesis: Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research, *Journal of Early Intervention*, 33 (3): 186 – 200.
- Herber, O. R., Bücken, B., Metzendorf, M. and Barroso, J. (2017). A Qualitative Meta-Summary Using Sandelowski and Barroso’s Method for Integrating Qualitative Research to Explore Barriers and Facilitators to Self-Care in Heart Failure Patients, *European Journal of Cardiovascular Nursing: Journal of the Working Group on Cardiovascular Nursing of the European Society of Cardiology*, 16 (8): 662 – 677. Oxford University Press.
- Przeworski, Adam; Limongi, Fernando (1997). Modernization: Theories and Facts. *World Politics*. 49 (2): 155–183.
- Sandelowski, M. and Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*, New York: Springer Publishing Company.
- Walsh, D., Downe, S. (2004). Meta-Synthesis Method for Qualitative Research: A Literature Review, *Journal of Advanced Nursing*, 50(2): 204 – 211.

نشریه‌های اینترنتی

آب روشن، مصطفی. ۱۴۰۱. چرا دهه هشتاده‌ها متفاوت هستند؟ خبرگزاری تحلیلی خبری خبر آنلاین. ۹ آبان ۱۴۰۱.

<https://www.khabaronline.ir/news/1689367/%D8%A7-%D8%AF%D9%87%D9%87-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%D9%85%D8%AA%D9%81%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF>

سیدآبادی، علی اصغر. ۱۴۰۱. ظهور نوجوانی جدید/ «دهه هشتادی‌ها» چه نسلی هستند؟. سایت تحلیلی خبری عصر ایران. ۳ آبان ۱۴۰۱.

<https://www.asriran.com/fa/news/863456/%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1-%D9%86%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C->

%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%D8%AF%D9%87%D9%87-
%D9%87%D8%B4%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DB%8C%E2%80%8C%D9%87%D
8%A7-%DA%86%D9%87-%D9%86%D8%B3%D9%84%DB%8C-
%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF

فرستخواه، مقصودی. ۱۴۰۱. دهه هشتادی‌ها چه می‌خواهند؟ سایت فرارو. ۱۱ مهر ۱۴۰۱.

<https://fararu.com/fa/news/578187/%D8%AF%D9%87%D9%87-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DB%8C%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%DA%86%D9%87-%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%87%D9%86%D8%AF>

کاظمی، عباس. ۱۴۰۱. دیدگاه عباس کاظمی جنبش اجتماعی نسل گیمرها. انجمن جامعه‌شناسی ایران.

۱۵ آبان ۱۴۰۱.

<http://www.isa.org.ir/%DB%8C%D8%A7%D8%AF%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D9%85%D8%A7%D9%87/6043-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3-%DA%A9%D8%A7%D8%B8%D9%85%DB%8C>

کاظمی پور، شهلا. ۱۴۰۲. مطالبات پدر و مادر دهه هشتادی‌ها به آنها منتقل شده/ تبعیض سبب‌ساز وضع

موجود است. سایت خبر آنلاین خبرگزاری تحلیلی ایران. تاریخ انتشار: ۹ آبان ۱۴۰۱.

<https://www.khabaronline.ir/news/1689426/%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D9%88-%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D9%87%D9%87-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%D8%A8%D9%87-%D8%A2%D9%86%D9%87%D8%A7-%D9%85%D9%86%D8%AA%D9%82%D9%84-%D8%B4%D8%AF%D9%87-%D8%AA%D8%A8%D8%B9%DB%8C%D8%B6-%D8%B3%D8%A8%D8%A8-%D8%B3%D8%A7%D8%B2>

محمدی، جعفر. ۱۴۰۱. نظام با "دهه هشتادی‌ها" چه کند؟ سایت تحلیلی خبری عصر ایران. ۱۸:۰۱ -

۱۴۰۱-۰۷-۰۵

<https://www.asriran.com/fa/news/859734/%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%A8%D8%A7-%D8%AF%D9%87%D9%87-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%DA%86%D9%87-%DA%A9%D9%86%D8%AF>